

# تحول در امر تربیت دینی دانش آموزان در نظام آموزش رسمی ایران

دکتر سوسن کشاورز<sup>۱</sup>  
استادیار دانشگاه تربیت معلم

تاریخ پذیرش: ۸۶/۱۱/۱۰


تاریخ دریافت: ۸۶/۸/۲۵

## چکیده

انسان موجود پیچیده‌ای است. تربیت او نیز به سادگی ممکن نمی باشد. به همین دلیل، برای تربیت مطلوب، همه جانبه و واقعی آدمی، خداوند کتاب آسمانی خود، یعنی قرآن کریم و پیامبران و ائمه (ع) را برای امر هدایت انسان فرو فرستاد. با پیروزی انقلاب و استقرار حکومت اسلامی در ایران، توجه به امر تربیت بر اساس آموزه های دین اسلام، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردید. تمامی نهادهای رسمی و غیررسمی در جامعه، به خصوص نهاد آموزش و پرورش، مسئولیت محقق ساختن آن را عهده‌دار شده است. تربیت انسان‌های الهی و هم جهت و هماهنگ با معیارهای اسلامی، وظیفه اساسی نظام آموزش و

پرورش محسوب می شود. این مهم، جایگاه و نقش تعلیم و تربیت دینی را در نظام آموزش و پرورش مشخص می سازد. بنابراین، مسئولان به منظور محقق ساختن شرایط مطلوب پرورش نسلی با ایمان، موظفند با آگاهی و بصیرت و زمینه سازی مناسب، این امکان را فراهم آورند. این مقاله، با توجه به تحقیقات انجام شده در خصوص وضعیت موجود تربیت دینی در نظام آموزش رسمی، به بررسی موضوع در ابعاد مختلف برنامه ریزی، محتوا، روش و ارزشیابی می پردازد. سپس، راهکارهایی را جهت ایجاد تحول و نیل به وضعیت مطلوب ارائه می نماید.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، آموزش رسمی، تحول، ایران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### مقدمه

از دیر باز اساس دغدغه فکری انسان، موضوع تربیت و روش های دستیابی به آن بوده و همواره در تمامی ادوار این امر توجه آدمی را به سوی خود معطوف نموده است. اهمیت موضوع تا بدان جاست که پیامبران و اولیای آنان به عنوان، هادیان جوامع همواره سرچشمه سعادت و رستگاری بشر را در این عرصه جستجو کرده‌اند. چنان‌که قرآن کریم، پیامبر اسلام (ص) را به عنوان معلم و مربی بشر معرفی نموده است.<sup>۱</sup>

حفظ دین به عنوان زیر بنای جامعه و تداوم فرهنگ دینی در آن، از طریق تربیت امکان پذیر است و یکی از بسترهای مناسب برای تحقق امر مهم تربیت انسان، نظام رسمی آموزش و پرورش است. هر چند تعلیم و تربیت انسان‌ها، تماماً وابسته به آموزش و پرورش رسمی نیست، بلکه سایر عوامل تأثیرگذار، از جمله خانواده، رسانه‌های گروهی، دانشگاه‌ها، مراکز فرهنگی و هنری و مساجد و... در تربیت افراد نقش آفرین هستند، اما باید اذعان نمود که جریان تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی، یکی از مهم‌ترین، منظم‌ترین و شاید هدفمندترین بخش‌های تعلیم و تربیت آدمی است که تأثیر آن را به گونه‌ای همه جانبه می‌توان در تمام ابعاد جسمانی، عقلانی، عاطفی، معنوی و اخلاقی فرد برای دستیابی به انسان کامل مورد بحث قرار داد؛ چرا که این نهاد به مدت دوازده سال به صورت دوسویه و رودرو، ارتباط نزدیک و زنده با مخاطبان خود دارد. بنابراین، مسئولان به منظور محقق ساختن شرایط

۱. سوره جمعه، آیه ۲.

مطلوب برای پرورش نسلی با ایمان و مذهبی، موظفند با فراهم کردن برنامه‌های اصولی، امکان شکوفا نمودن استعدادهاى نهفته دانش آموزان، تربیت فطرت خداجوی آنان و در نهایت، هدایت آنان به سوی کمال الهی را فراهم سازند. کارآمدی و اثربخشی طرح‌ها و برنامه‌های نهاد آموزش و پرورش، با شناخت علمی همه جانبه از آینده و فرصت‌ها و تهدیدهای آن و نیز واقعیت‌های موجود و توانمندی‌ها و قابلیت‌های نهفته در آن عجین است. به همین دلیل، موفقیت در این میدان، نیازمند شناخت دقیق وضعیت حال و آینده است تا بر اساس این شناخت، امکان برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی بهینه فراهم آید.

اما برای تبیین دقیق وضع موجود و گمانه‌زنی درباره آینده، به کالبد شکافی و شناخت گذشته نیاز است. اگر برنامه‌ها و فعالیت‌های گذشته، منصفانه و آگاهانه، مورد نقد و بازشناسی قرار گیرند، می‌توان از تجربیات و دستاوردهای مثبت و منفی آن، چراغی فراروی آینده افروخت و در پرتو نور آن به اصلاح و بهینه سازی فرایند تعلیم و تربیت پرداخت و زمینه برنامه‌ریزی مناسب را برای دستیابی به آینده مطلوب میسور ساخت.

این نوشتار تلاش دارد با توجه به تحقیقات انجام شده در خصوص وضعیت موجود تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش رسمی<sup>۱</sup> (عمدتاً به نحو صریح و بارز تدریس دینی و قرآن در دوره‌های مختلف تحصیلی) و آسیب شناسی آن، کیفیت تأثیر نظام آموزش رسمی کشور را در تربیت دینی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار دهد و سپس، راهکارهایی را جهت ایجاد تحول و نیل به وضعیت مطلوب ارائه نماید.

### اهمیت تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش کشور

تعلیم و تربیت عبارت است از: «فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعدادهاى شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و بر اساس برنامه ای سنجیده» (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸، ص. ۳۶۶). بنابراین، مربی باید با ارائه بیش‌تر خاص، با تقویت بعد انگیزشی و گرایشی و سرانجام، با تصحیح و جهت‌دهی عمل، زمینه مناسبی را فراهم آورد تا استعدادها و قابلیت‌های متربی شکوفا گردد. اقدام به امر تربیت، از یک سو، مستلزم شناخت و آگاهی نسبت به موضوع تربیت، یعنی ویژگی‌ها و توانمندی‌های متربی، فلسفه تربیت؛ یعنی مبانی، غایت، اهداف، اصول و روش‌های تربیت است و از سوی دیگر، مستلزم برنامه‌ریزی مطلوب برای امر تربیت متربیان در قالب عناصر برنامه درسی شامل اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی، یادگیری، ارزشیابی و سایر فعالیت‌های غیر درسی انجام گرفته در مدرسه می‌باشد. بنابراین، برای اهتمام به امر تربیت دینی متربیان در نظام آموزش رسمی کشور باید توجه خاصی به موارد فوق مبذول داشت.

کمتر جامعه‌ای را می‌توان یافت که با دین و تربیت دینی سروکاری نداشته باشند؛ جوامع بشری نه تنها دیندار بوده اند، بلکه دین را نیز امری ضروری می‌دانستند؛ چرا که انسان بدون پایبندی به دین نمی‌تواند به هدف نهایی حیات خود دست یابد (داوودی، ۱۳۸۳). جهان‌بینی دینی که ادیان الهی به پیروان خود عرضه می‌دارند، موجب می‌شود انسان نسبت به جهان و امور پیرامون خود نگرشی متعالی پیدا کند. بنابراین، یکی از مسائل مهم جوامع امروز، چگونگی ارائه مفاهیم، محتوا و ارزش‌های دینی و ایجاد تغییر معرفتی، نگرشی و گرایشی مطلوب در

آحاد جامعه می‌باشد. در پیش گفتار کلیات طرح تغییر بنیادی آموزش و پرورش در بند ۴، چنین آمده است: «چون وظیفه اصلی نظام آموزش و پرورش، تربیت انسان‌های الهی و هم‌جهت و هماهنگ با معیارهای اسلامی است. لازم است تزکیه و تربیت همچون نوری بر تمامی عناصر، اجزاء و برنامه‌های نظام بتابد و به منزله بستری برای یکایک آن‌ها باشد. توجه به این مهم که، تزکیه نه تنها از تعلیم جدا نیست بلکه به صورتی انفکاک‌ناپذیر به آن پیوسته است و بر آن تقدم رتبی دارد، موجب می‌شود که در کلیه مراحل سازماندهی و اجرای نظام، تربیت متعادل و متوازن تمام ابعاد شخصیت انسان تا وصول به درجه انسان کامل جهت اصلی حرکت باشد» (طرح کلیات نظام آموزش و پرورش، ۱۳۶۷، ص. ۹).

در بخش سوم این طرح، که اصول حاکم بر نظام در آن ذکر گردیده است، و در اصل پنجم آن تحت عنوان «اولویت تعلیم و تربیت دینی»، چنین بیان شده است: تعلیم و تربیت دینی و اخلاقی از اولویت برخوردار است و آموزش‌های دینی و اخلاقی با تربیت عملی دینی و اخلاقی همراه است. مفاد این اصل، جایگاه تعلیم و تربیت دینی در کل نظام آموزشی را تبیین می‌نماید و سیاستگذاران و برنامه‌ریزان را راهنمایی می‌کند که در صورت وجود تعارض و تراحم میان برنامه‌ها و طرح‌های مورد نظر، همواره تعلیم و تربیت دینی و اخلاقی را بر سایر امور مقدم دارند. می‌توان از این اولویت استنباط نمود که محوری‌ترین جنبه از ابعاد تربیت در نظام آموزش و پرورش، همانا تربیت دینی می‌باشد. در اصل چهارم این طرح نیز آمده است که، در آموزش و پرورش نه تنها تعلیمات دینی خاص، بلکه همه برنامه‌ها و آموزش‌ها باید به عنوان اجزای یک مجموعه هماهنگ اسلامی بر حسب اقتضا و گنجایش جنبه و جهت دینی

## تحول در تربیت دینی دانش‌آموزان... □ ۷۹

داشته باشد. برنامه‌ریزان و معلمان باید در همه برنامه‌ها و فعالیت‌ها بنا به مقتضیات خاص هر موضوع، به جنبه الهی و تقویت بینش دانش‌آموزان توجه کنند.

در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی در ایران، با توجه به تأکید و تصریح نیروهای معتمد بر تسریع در گسترش ارزش‌های اسلامی در جامعه و با توجه به اعتقادات اکثریت مطلق مردم ایران و قانون اساسی کشور، ضرورت و اهمیت تربیت نسل نوجوان و جوان به منظور اتصاف آنان به ارزش‌های اسلامی مورد اجماع بوده است. با گذشت بیش از دو دهه از استقرار نظام اسلامی و با وجود تلاش‌های انجام شده جهت آشناسازی کودکان و نوجوانان با اصول و مفاهیم دینی و اخلاقی، تحقیقات انجام شده در مدارس، نشانگر آن است که مسئله آموزش دینی از وضعیت مطلوب برخوردار نبوده، گاه با تأثیرات معکوس نیز همراه گردیده و موجب شده است تا ناکارآمدی‌های مذکور تا حد زیادی در بحران‌آفرینی‌ها و کاستی‌های مشاهده شده در رفتارهای دینی نسل نوجوان و جوان ما سهم مؤثری داشته باشد، (باهنر، ۱۳۷۸). در این راستا، یکی از محققان می‌نویسد: پیام‌سینارها، کنفرانس‌ها و اجلاس‌های متعدد توسط نهادها و مراکز آموزشی و فرهنگی کشور در سال‌های اخیر، نشانه‌هایی از احساس خطر و افزایش ضریب آسیب‌پذیری دینی و مذهبی در نسل نو می‌باشد (سادتی، ۱۳۷۴؛ به نقل از بینقی، ۱۳۷۹). دیگری نیز می‌نویسد: همگان به وضوح دریافته‌اند که نسل‌های تحت‌تعلیم، فاقد ویژگی‌ها، اندیشه‌ها و رفتارهای دینی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و انقلابی مورد نظر هستند (کریمی، ۱۳۷۷؛ به نقل از بینقی، ۱۳۷۹). از سوی دیگر، در بررسی‌های به عمل آمده در زمینه آموزش دینی و کیفیت آن می‌توان گفت: وضع موجود در مدارس از جهات مختلف و به علل گوناگون از

جمله برنامه‌های درسی، نیروی انسانی و امکانات، رضایت بخش نبوده است. در ادامه، استنادات مربوط مورد اشاره قرار خواهد گرفت. بدین منظور، پژوهش کریمی (۱۳۶۸) نشان داد که، در مقطع ابتدایی درس دینی کم‌ترین میزان علاقمندی را به خود اختصاص داده است و در مقطع راهنمایی، هر دو درس دینی و قرآن در پایین‌ترین سطح تمایل عاطفی دانش آموزان قرار دارند (سعیدی رضوانی و بینقی، ۱۳۸۰).

حال با گذشت بیش از دو دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، می‌توان این سؤال اساسی را مطرح کرد که با توجه به افزایش ساعات تدریس دینی، قرآن و فعالیت‌های پرورشی، چرا نظام آموزشی در تربیت دینی چندان موفق نبوده است؟ هر یک از عناصر برنامه درسی، از نظر کمی و کیفی، دچار چه نوع اختلالی بوده‌اند؟ جهت رفع اختلال‌ها، چه تلاش‌ها و اقداماتی باید انجام داد؟ آیا اهداف در نظر گرفته شده، به درستی انتخاب نشده‌اند؟ آیا محتوای انتخاب شده با شرایط و نیازهای مخاطبان هماهنگ نبوده است؟ آیا روش‌های تدریس، کارایی لازم را نداشته‌اند؟ آیا ارزشیابی به عمل آمده، کیفیت مناسبی نداشته است؟ آیا مطالب در نظر گرفته شده از سازماندهی مناسبی برخوردار نبوده‌اند؟ آیا فعالیت‌های یادگیری انجام شده از سوی دانش آموزان، جهت صحیحی نداشته است؟

برای بررسی مستدل موضوع و در پاسخ به سئوالات مطرح شده، در این قسمت با نگاهی آسیب شناسانه، محتوی آموزش‌های دینی، کیفیت و کمیت برنامه‌ریزی‌های انجام گرفته، اهداف تربیت دینی و اخلاقی، نحوه ارائه مواد درسی تعلیمات دینی و قرآن به دانش آموزان، کیفیت ارزشیابی‌های به عمل آمده با نظر به نتایج تحقیقات صورت گرفته در راستای امر



## تحول در تربیت دینی دانش آموزان... □ ۸۱

تربیت دینی دانش آموزان در سه دوره ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مورد بررسی قرار می‌گیرد تا با توجه به شناخت وضعیت موجود، بتوان راهکارهایی را برای ایجاد تحول و دستیابی به وضعیت مطلوب در امر تربیت دینی در نظام آموزش رسمی ارائه داد.

### آسیب‌شناسی تربیت دینی در نظام آموزش رسمی کشور

#### الف - طراحی برنامه‌ریزی درسی

«نخستین آسیب، فقدان برنامه‌ریزان و کارشناسان با صلاحیت در طراحی و تولید برنامه‌های درسی دینی است» (ملکی، ۱۳۸۲، ص. ۳۴۳). این قاعده در همه برنامه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. اما در تربیت دینی توجه مضاعف می‌طلبد. برای برنامه‌ریزی درسی دینی به کارشناسان و صاحب نظرانی نیازمندیم که در آموزش معارف دینی متخصص باشند. به یقین افرادی که صرفاً در معارف دینی تخصص دارند، قادر به برنامه‌ریزی درسی نیستند. ممکن است گفته شود که برای حل این معضل، برنامه‌ریز درسی و متخصص آموزش، در کنار متخصص موضوعی قرار می‌گیرد و با یکدیگر همفکری می‌کنند، «ولی سابقه برنامه‌ریزی درسی در ایران حاکی از آن است که در کنار هم قرار گرفتن متخصصان، مشکل‌گشا نمی‌باشد؛ بلکه قابلیت‌ها با یکدیگر در ذهن و شاکله وجودی آدم‌ها باید ترکیب شوند. افرادی باید تربیت شود که با ترکیب تخصص در خود، اصول و روش‌های مؤثر در برنامه‌ریزی و آموزش یک درس را ارائه نمایند» (ملکی، ۱۳۸۲، ص. ۳۴۴).

آسیب بعدی را در زمینه نیازسنجی باید جستجو کرد. تشخیص نیازهای تربیت دینی، مبنای و ریشه تعیین اهداف را تشکیل می‌دهد. بدون فهم درست نیازها، فهم درست و علمی از

اهداف نخواهیم داشت. در برنامه‌ریزی درسی تربیت دینی، در مرحله نیازسنجی با چند سؤال اساسی مواجه هستیم: تعریف مطلوب از انسان، ویژگی‌های انسان مطلوب، ارتباط بین انسان و جامعه، نظام ارزشی برگرفته از وحی، مسائل و چالش‌های فکری فرد و جامعه، رویکرد مورد نظر برای انتخاب معارف دینی و... تا نیازسنجی مناسبی با توجه به پاسخ اساسی به این سئوالات صورت نگیرد، برنامه‌ریزی درسی در تربیت دینی امکان‌پذیر نخواهد بود.

موضوع مهم دیگر در نیازسنجی، توجه به سطوح نیازهاست. نیازها با توجه به ارتباط آنها به امور زندگی سطوح گوناگون دارد. سطح عالی نیازسنجی عمدتاً بعد ارزشی دارد و از آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها ریشه می‌گیرند. برای فهم این نوع نیازها، باید به سراغ افراد و منابعی برویم که به ارزش‌ها اشراف دارند (ملکی، ۱۳۸۲).

صاحب‌نظران علوم دینی از جمله منابعی هستند که باید با آنان به گفتگو پرداخت و با طرح سئوالات اساسی، پاسخ‌ها را دریافت و با تحلیل پاسخ‌ها، نیاز را در سطح کلان فهمید. ضرورت این بخش از کار از این بابت است که، برنامه‌های درسی نهایتاً باید اعضای جامعه را به آرمان‌های جامعه نزدیک کنند.

سطح دوم، نیازهای واسطه‌ای است که آنها را باید در جامعه جستجو کرد. شناخت ماهیت جامعه و فهم درست شرایط اجتماعی مسئله مهمی است که از طریق تحقیقات علمی و تحولات صورت گرفته شناخته می‌شود. سطح سوم، نیازها را باید در درون مدارس جستجو کرد. گاهی بین برداشت‌های بزرگان جامعه و تصورات نوجوانان و جوانان فاصله زیادی

## تحول در تربیت دینی دانش آموزان. . . □ ۸۳

بوجود می‌آید. بی‌اعتنایی به این فاصله، پیام‌های تربیتی را قربانی می‌کند و رشد و کمال افراد را به تأخیر می‌اندازد و با مشکل مواجه می‌سازد. از جمله آسیب‌های تربیت دینی این است که صرفاً پیام‌نگر باشیم و به گیرنده پیام توجه کافی نکنیم. این نکته به این معنا نیست که از نیازهای عالی و آرمان‌ها صرف نظر کنیم، بلکه به این معناست که توجه حکیمانه به آن‌ها داشته باشیم. وقتی از بررسی نیازهای سه گانه، اطلاعاتی به دست آوردیم. تحلیل آن‌ها به قصد تشخیص و تعیین نیازهای درسی دینی انجام می‌گیرد. اگر صرفاً به نیازهای سطح عالی توجه کنیم، در تربیت دینی دچار افراط خواهیم شد؛ یعنی چیزی را در برنامه از دانش آموز خواهیم خواست که با او تناسب ندارد. برعکس، اگر صرفاً به نیازهای درخواستی دانش‌آموزان اکتفا کنیم، گرفتار تفریط خواهیم شد. برای مصون ماندن از این نوع آسیب‌ها، باید نیازسنجی کامل و همه جانبه به عمل آورد تا بتوان برنامه درسی طراحی کرد.

### ب - اهداف تربیت دینی - اخلاقی در دوره‌های تحصیلی

شورای عالی آموزش و پرورش در تاریخ ۷۹/۲/۲۹، اهداف دوره‌های تحصیلی را تصویب کرد. در تحقیقی که بوسيله «سعیدی رضوانی» به منظور استخراج اهداف تربیت دینی - اخلاقی دوره راهنمایی، از اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش صورت گرفت، ابتدا با استفاده از نظرات کارشناسی صاحب‌نظران، از میان اهداف مصوب دوره راهنمایی، اهدافی که با تعلیم و تربیت دینی - اخلاقی مرتبط به نظر می‌رسد، انتخاب شد. نتیجه این بررسی نشان داد که، از مجموع ۱۰۵ هدف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش در دوره راهنمایی،

صاحب نظران ۷۸ هدف را به عنوان اهداف تربیت دینی - اخلاقی معرفی نمودند و تقریباً تمامی این اهداف حائز اهمیت و اولویت تشخیص داده شد.

بنابراین، با توجه به یافته‌های پژوهش بالا، از آموزش و پرورش انتظار می‌رود که سعی کند حدود ۷۵ درصد محتوای کتاب‌های درسی و فعالیت‌های فوق برنامه خود را مصروف آموزش‌های دینی - اخلاقی کند. اما مشاهده وضعیت موجود برنامه‌های درسی مدارس با تصویر قابل انتظار مذکور بسیار فاصله دارد.

در حال حاضر، در دوره راهنمایی تحصیلی تنها دو درس بینش اسلامی و قرآن به صورت مستقیم، متکفل تربیت دینی - اخلاقی هستند که اتفاقاً بنا به مطالعات انجام شده، اثر بخشی آن‌ها در تحقق اهداف تربیتی در پایین‌ترین حد ممکن است. حتی با فرض اثر بخش بودن آن‌ها نیز نمی‌توان انتظار داشت دروس دینی و قرآن دوره راهنمایی، تحقق ۷۵ درصد از کل اهداف دوره را به عهده بگیرند. بقیه دروس، که عملاً بیش‌ترین حجم ساعات مدرسه را به خود اختصاص می‌دهند، ۲۵ درصد اهداف را محقق سازند. بنابراین، به نظر می‌رسد بین دیدگاه تعیین اهداف دوره‌های تحصیلی و نظام برنامه‌ریزی درسی آموزش و پرورش نوعی تناقض و ناسازگاری وجود دارد (سعیدی رضوانی و بیقی، ۱۳۸۰).

مرور مقدمه سند شورای عالی آموزش و پرورش و نمونه اهداف سند، ذهنیت ایده‌آل‌گونه مسئولان تعلیم و تربیت کشور از رسالت و مأموریت آموزش و پرورش از یک سو، و آرمانی بودن اهداف مصوب را از سوی دیگر نشان می‌دهد، این که از نظام آموزش مدرسه‌ای توقع

## تحول در تربیت دینی دانش آموزان... □ ۸۵

داشته باشیم به گونه‌ای عمل کند که دانش‌آموز در پایان سال سوم راهنمایی فرضاً اصول دین را باور داشته و اعمالش را بر مبنای آن تنظیم کند، یا خداوند را به دلیل خدایی‌اش پرستش و اطاعت کند، صرف نظر از آرمانی بودن برخی اهداف، نشانه نهادن بار سنگین و پیچیده تربیت دینی بر دوش نه چندان توانمند نهاد آموزش و پرورش است، وسعت و عمق اهداف مذکور به میزانی است که حتی اگر ۷۵ درصد فعالیت‌های آموزش و پرورش نیز مصروف آن‌ها شود، نمی‌توان تحقق آن‌ها را تضمین کرد. در دنیای پیچیده کنونی، مدرسه، صرفاً بخشی از دنیای واقعی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد و بخش‌های مهم دیگری چون خانواده، اجتماع و دنیای ارتباطات وجود دارد که دارای کارکردهای خاص خود هستند که چه بسا بعضاً از کارکرد مدرسه بسیار نافذتر است. اگر آموزش و پرورش بخواهد واقعاً اهداف تربیت دینی و اخلاقی خود را محقق سازد، حداقل باید ۷۵ درصد از ساعات تدریس در مدارس را به آموزش‌های دینی و اخلاقی اختصاص دهد که تقریباً امری محال است (سعیدی رضوانی و بیقی، ۱۳۸۰).

توجه به این امر که در تربیت اخلاقی، سایر دروس نمی‌توانند نادیده گرفته شوند، ایجاب می‌کند برای تعلیم و تربیت دینی طراحی نو انداخته شود و برنامه‌ریزان درسی به خصوص در دوره ابتدایی، که معلم دروس مختلف یک نفر است، برای تعلیم و تربیت دینی از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل سایر دروس نیز استفاده کافی را ببرند. این مهم حاصل نمی‌شود جز آن‌که برنامه‌ای که در تعلیم و تربیت دینی در دوره ابتدایی طراحی می‌شود، کل‌نگر باشد و همه

دروس را با ملاحظه شامل شود تا بتواند اهداف ارزشی را بدون خستگی و دلزدگی و اثرات مخرب احتمالی به نحو مطلوب محقق سازد.

یکی از محققان، در مقاله خود تحت عنوان «راهنمای برنامه درسی تعلیمات دینی دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی در بوته نقد» با نقل اصل چهارم طرح کلیات نظام آموزش و پرورش، تحت عنوان «تعمیم تربیت دینی در آموزش و پرورش» نه تنها تعلیمات دینی خاص، بلکه همه برنامه‌ها و آموزش‌ها باید به عنوان اجزای یک مجموعه هماهنگ اسلامی بر حسب اقتضا و گنجایش جنبه و جهت دینی داشته باشد، اعتقاد دارد: «این اصل به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول مرتبط با تعلیم و تربیت دینی، دیدگاه مقبول درباره گستره قلمرو تعلیم و تربیت دینی را روشن می‌سازد و آن را از محدوده درس خاص خارج ساخته، بلکه تعلیم و تربیت دینی را به عنوان محور مهم همه برنامه‌های درسی قرار می‌دهد. بر اساس این اصل، تعلیمات دینی و برنامه درسی آن، به مثابه جزیی از یک مجموعه هماهنگ برنامه‌ها و آموزش‌ها تلقی شد و نمی‌توان از این جزء، توقع مطلوب از مجموعه‌های هماهنگ مذکور را داشت. دیگر آن‌که، ارتباط این جزء با سایر اجزای مجموعه مورد نظر، باید به صورت منسجم مشخص گردد و این در صورتی است که، به تعلیم و تربیت دینی نگاه فرا رشته‌ای داشت و قبل از طراحی هر جزء طرحواره، مجموعه برنامه‌ها و آموزش‌ها با محوریت تعلیم و تربیت دینی پردازش شود. به بیان دیگر، برنامه درسی رویکرد بین رشته‌ای<sup>۱</sup> را می‌طلبد» (صادق زاده، ۱۳۸۰، ص. ۲۱۷).

### ج- کتاب‌های دینی و قرآن دوره ابتدایی و راهنمایی

۱. توجه به نیازهای دانش آموزان

یکی از عوامل مؤثر در تهیه مواد آموزشی، توجه به نیازها و انگیزش‌های کودک می‌باشد. در حقیقت، نظام زیر بنایی اعتقادات و باورهای کودک، دستیابی به چگونگی برخورد محیط آموزشی با نیازهای گوناگون و متفاوت وی می‌باشد. بدیهی است کودکی که درمی‌یابد نیازهایش درک شده و عملکرد محیط آموزش در جهت رفع نیازهای اوست، انگیزه بیشتری جهت مشارکت در فرآیند یادگیری، بویژه فراگیری انگاره‌های دینی خود پیدا می‌کند. از میان نیازهایی که در دوره ابتدایی از اهمیت بسزایی برخوردار است، می‌توان به نیاز به پیشرفت، نیاز به خود مختاری، نیاز به بازی، نیاز به حمایت، نیاز به درک حقایق، نیاز به درک غایت، نیاز به همانندی اشاره نمود (کردی، ۱۳۷۹).

بنابر این، به منظور تنظیم کتاب‌های درسی دینی ابتدایی، باید این نیازها مورد توجه قرار گیرد. همچنین «در فرآیند آموزش دینی، لطایف زیباشناسی، بازی، جنب و جوش و فرح بخشی، که از جمله نیازهای اساسی هر کودک دبستانی است، اهمیت بسزایی دارد» (حق شناس و قاسمی، ۱۳۸۲). به همین دلیل، وقتی پرداختن به این نیازها را در کتاب درسی، کلاس درس، روش تدریس، شیوه ارتباط، شیوه ارزشیابی و سایر فرآیندهای آموزشی وارد کنند، به تربیت مؤثر و پایدار دست خواهند یافت. اگر چه نویسندگان کتاب‌های دینی ابتدایی به وجود معیارهایی مانند نیازهای جامعه، نیازهای دانش آموز و میزان رشد سنی و عقلی برای تطبیق

محتوای کتاب‌های درسی با پایه‌های تحصیلی اشاره کرده اند، چگونگی دستیابی به نیازهای جامعه یا دانش آموز و روش «تعیین میزان رشد عقلی» دانش آموزان مشخص نیست و تنها گروه تعلیمات دینی به استفاده از یافته‌های تحقیقاتی اشاره کرده اند. حال آن که، تحلیل محتوای کتاب‌های دینی نشانگر این موضوع نیست و آنچه در عمل مشاهده می شود، یک نظام بازسازی شده براساس الگوی بزرگسالانه‌ای است که از یک ضابطه دستوری در آموزش دینی تبعیت می‌کند. در این کتاب‌ها بیشتر انتقال مستقیم مطالب مفاهیم، مورد تاکید قرار می‌گیرد. در نتیجه، نه تنها مفاهیم عرضه شده درون سازی نمی‌شود، بلکه به بازداری نظام فکری کودک هم می‌انجامد. بنابراین، بهتر است برنامه های آموزش دینی در نخستین سال‌های آموزش ابتدایی به گونه‌ای باشد که به جای بیان مستقیم اصول دینی و مذهبی، تنها در زنگ دینی، همه ساعت‌های آموزشی در تربیت دینی سهیم باشند. به بیان دیگر، آموزش دینی در سایر دروس مانند فارسی، جمله‌نویسی، علوم، خواندن، ریاضی و نقاشی نیز گنجانده و کتاب دینی مختصری برای سال‌های پایانی ابتدایی در نظر گرفته شود (حق شناس؛ قاسمی، ۱۳۸۲). باید توجه داشت که تنها زمانی آموزش تعلیمات دینی و تربیت دینی در مدارس اثر بخش خواهد بود که با ترغیب دینی در خانه از سوی والدین هماهنگ و همسو باشد. در غیر این صورت، کودک دچار تعارض شده و بدون درونی شدن مفاهیم دینی در او، رشد شناختی وی دچار تأخیر خواهد شد.



## تحول در تربیت دینی دانش آموزان... □ ۸۹

یکی از عوامل مهم که در تدوین برنامه‌ها و انطباق روش‌های آموزشی با سطح تحول کودکان باید در نظر گرفته شود، توجه به فرآیند شکل‌گیری عواطف و ظرفیت‌های شناختی کودکان است و در این راستا بدون تأکید بر تحقیقات و یافته‌های علمی روانشناسی تحولی، نمی‌توان در تدوین کتاب‌های درسی دینی به موفقیت دست یافت.

اغلب بررسی‌های روان‌شناختی درباره چگونگی شکل‌گیری رفتار و فهم مذهبی، دریافت کودکان سنین مختلف از مفهوم خداوند را به منزله محوری‌ترین مفهوم مذهبی بررسی کرده‌اند و در زمینه شکل‌گیری مفاهیم اخلاقی و ماوراءالطبیعه به نوعی هماهنگی بین مراتب تحول این مفاهیم و ظرفیت‌های عملیاتی دست یافته‌اند و نشان داده‌اند که در قلمرو مفاهیم ماوراءالطبیعه، یعنی مذهب، توالی گذر از زیرساخت‌های عینی به زیرساخت‌های صوری، محور اصلی تحول را تشکیل می‌دهد.

کودک در خلال فرآیند تحول، بر اساس توانایی‌ها، محدودیت‌ها و ظرفیت‌های ذهنی خود، در هر مرحله به تبیین مسائل مذهبی می‌پردازد. بنابراین، اکثر پژوهشگران بر این عقیده‌اند که آموزش، از جمله آموزش دینی، باید با سطح تحول عقلی یادگیرنده منطبق باشد و هیچ آموزشی تا وقتی کودک به سطح سازمان روانی لازم برای درک آن نرسیده باشد، مفید نمی‌باشد. بررسی محتوای کتاب‌های دینی دوره ابتدایی نشان می‌دهد که، محتوای آموزشی آن‌ها با طراز تحول کودکان، تناسب و تطابق ندارد. نتایج تحقیقات انجام شده در کشور ما، درخصوص تناسب محتوای کتاب‌های دینی با توانایی‌های شناختی دانش‌آموزان از دیدگاه

معلمان، برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی، بر عدم تناسب و تطابق محتوای آموزشی با طراز تحول کودکان صحه می‌گذارند (دادستان، ۱۳۷۹). به بیان دیگر، اغلب معلمان به تجربه دریافتند که در سطح ابتدایی، هیچ نوع درک یا شهود مذهبی، در کودک در حد انتظار آشکار نمی‌شود، و امیدوارند که این ظرفیت در سطح راهنمایی در دانش آموزان به وجود آید. به اعتقاد آنان، بسیاری از مفاهیم، مانند معجزه پیامبران، امامت، احکام در سطح طهارت، نجاسات و...، زنده شدن مردگان، امر به معروف و نهی از منکر و مانند آن، تنها برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی قابل فهم است و بر این نکته تأکید کرده‌اند که آموزش بسیاری از مفاهیم باید از سطح ابتدایی به راهنمایی انتقال یابد (دادستان، ۱۳۷۹).

### ۳. روش‌های آموزش دینی

به طور کلی، تحلیل محتوای کتاب‌های دینی دوم تا پنجم ابتدایی نشان می‌دهد که، «محتوای این کتاب‌ها به گونه‌ای است که معلم در اکثر موارد از روش‌های آموزشی سنتی استفاده می‌کند و بعضاً فرآیندهای آموزشی کهنه و نو را جهت تدریس مفاهیم دینی ترکیب می‌کند. از این رو، برنامه‌های آموزش دینی به صورت یک نظام آموزشی حفظی و لفظی در آمده است» (حق شناس و فاسمی، ۱۳۸۲، ص. ۲۳۸).

برای نیل به اهداف بیان شده در ابتدای کتاب‌های تعلیمات دینی ابتدایی، (پرورش صحیح روح و روان دانش‌آموزان و تکامل بخشیدن به زندگانی آنان، در آمیختن عقاید صحیح دینی آن‌ها، نفوذ اخلاق نیک در باطن وجود دانش‌آموزان و بالاخره، پرورش آنان با صفات شایسته

## تحويل در تربیت دینی دانش آموزان... □ ۹۱

انسانی واهداف متعالی دیگر) باید آن‌ها مفاهیم دینی را به صورتی کاربردی، تحلیلی و باورمند به رفتار و عملکرد دینی درک نمایند؛ زیرا هدف، تنها آشنایی دانش آموزان با مفاهیم دینی نیست. به عبارت دیگر، هدف عمده کتاب‌های تعلیمات دینی، آن‌گونه که در آن‌ها مطرح شده است، تربیت دینی دانش‌آموزان است و هدف تربیت دینی، به خاطر سپاری اصطلاحات، واژه‌ها و گفتارهای ذهنی نیست، بلکه هدف اصلی پیدایش تغییرات اساسی در بینش، نگرش و گرایش و باور دانش‌آموز در مورد خود، محیط اطراف پدیده‌ها و رویدادهای درونی، لطف و رحمت خداوند، نظم و هماهنگی هستی، هدف‌دار بودن و خط سیرداشتن حرکت‌های کیهانی است، تا از این طریق، نحوه برخورد و رفتار خود را با خویشتن و جهان پیرامون تنظیم کند. در حقیقت، هدف شناخت و انتخاب راه و شیوه عمل از روی تفکر است (دادستان، ۱۳۷۹).

به همین دلیل، یکی از ابعاد مهم تربیت دینی، تربیت قوه تفکر، تحریک جستجو و کاوش‌گری و بیدار کردن نیروهای نهفته و غیرآشکار دانش‌آموزان است.

هدف مربی برای ارتقاء و پرورش حسن دینی کودک، ایجاد دانسته‌ها، معلومات و دانش صوری به صورت حفظی و لفظی نیست، بلکه ایجاد نیاز و خلأ و عدم تعادل در ساختار شناختی و عاطفی کودک است، و به این ترتیب دانش‌آموز به دلیل نیاز طبیعی تعادل‌جویی خود در رفع این نیاز بر می‌آید. در ارائه مطالب دینی به دانش‌آموزان، باید از هرگونه آموزش تحمیلی و انتقال مستقیم مطالب و مفاهیم پرهیز شود و به آنان فرصت کشف طبیعت و فطرت خود به دست خویش را داد.

«با بررسی شیوه‌های تدریس پیشنهادی به معلمان در کتاب‌های تعلیمات دینی ابتدایی، می‌توان دریافت که روش‌های مطرح شده با اهداف کتاب‌های فوق همخوانی ندارد. به عنوان مثال، برای تنظیم محتوای کتاب‌های دینی در جهتی که دانش‌آموزان بتوانند به تفکر، سنجش و قضاوت واداشته شوند، معلم باید به روش پرسش و پاسخ و شرکت دادن دانش‌آموزان در مباحث و طرح معماگونه آن‌ها تدریس کند» (حق شناس و فاسمی، ۱۳۸۲، ص. ۲۳۹).

در واقع، برای پرورش حس دینی که احساس طلب و نیاز را در دل ایجاد می‌کند، نمی‌توان فقط به آموزش‌ها و توصیه‌ها و تبلیغات سطحی و صوری اکتفا کرد. «تجربیات متعدد نشان داده است که این‌گونه آموزش‌ها در پاره‌ای از موارد نه تنها به پرورش حس مذهبی دانش‌آموزان کمکی نکرده، بلکه مانع آن هم شده است؛ چرا که تعدد و تراکم مطالب دینی در کتاب‌های درسی نتوانسته به پرورش حس مذهبی دانش‌آموزان منجر شود» (حق شناس و فاسمی، ۱۳۸۲، ص. ۲۳۹). به منظور پرورش حس مذهبی در دانش‌آموزان باید راه و روش اصلی تربیت دینی را جستجو نمود. از آن‌جا که حس دینی، اساساً در طبیعت و فطرت کودک به ودیعه نهاده شده، تنها زمینه‌سازی و آماده‌سازی روانی و عاطفی لازم است تا خود فرد بدون القاء و اجباری بیرونی، به کشف و شکوفایی آن دست یابد، و اگر آموزش و تعلیمی هم در این رابطه وجود دارد، باید در جهت یاری کردن کودک برای کشف آن توسط خودش باشد، نه این‌که مطالب از بیرون و به طور آماده در اختیارش قرار گیرد. در غیر این صورت، مطمئناً در روند پرورش حس مذهبی او اختلال، کندی و یا شاید حجاب بزرگی را هم ایجاد نموده ایم؛ زیرا ما با ارضای بیرونی و انتقال مطالب و مواد صوری دینی به او، انگیزه درونی، کنجکاوای ذاتی، عشق و وجودی و نیاز فطری او را کاهش داده‌ایم (کریمی، ۱۳۷۳).

#### ۴. وابستگی به منابع بیرونی تشویق و تنبیه

هدف تربیت دینی برانگیختن شوق و رغبت دینی است. از سوی دیگر، آموزش دینی باید با پرورش حس دینی همراه باشد. در غیر این صورت، نه تنها کمکی به تقویت تمایلات فطری نمی‌کند، بلکه خود مانع و حجاب بزرگی در برابر این تمایل خودانگیخته می‌گردد؛ چرا که تربیتی پایدار و اصیل است، که طبیعی و خودانگیخته باشد و بدون وابستگی به انگیزه‌های بیرونی و توییح‌ها و تشویق‌ها، برخاسته از باور درونی و وجدان فطری فرد باشد. به طور کلی، در تربیت دینی باید از این‌که فرد را به خاطر اعمال و افعال دینی و اخلاقی، صرفاً به منابع تشویق و تنبیه بیرونی وابسته کنیم پرهیز نماییم، و اگر چنین روش‌هایی در نظام تربیتی تقویت گردد، نهایتاً تربیت دینی، یک تربیت شکننده و ناپایدار می‌گردد، که هیچ‌گاه منجر به عشق الهی نمی‌شود.

«بررسی مضامین کتاب‌های تعلیمات دینی از جنبه وابستگی به منابع بیرونی تشویق و تنبیه، بیان‌گر این حقیقت است که در بسیاری از موارد، انجام افعال اخلاقی و دستورات دینی، به خاطر پاداش آن مطرح، و از سوی دیگر اجتناب از اعمال ناصواب، به دلیل دوری از عذاب خداوند و مجازات اخروی توصیه شده است» (حوشناس و قاسمی، ۱۳۸۲، ص. ۲۴۰). به بیان دیگر، کتاب‌های دینی تلویحاً با طرح مکرر پیام کار نیک برای پاداش نیک، کودکان را به منابع بیرونی تشویق و تنبیه برای افعال اخلاقی و رفتارهای صواب و ناصواب، وابسته می‌کند، بدون این‌که از فطرت و یا تفکر آنان برای درک مفاهیم اخلاقی و مذهبی سود جویند. درحالی‌که، از طریق

پدیدار کردن احساس نیاز و گرایش باطنی کودک به معنویت و لطافت‌های مذهبی می‌توان در تربیت دینی آنان موفق بود. همچنین، از طریق تربیت قوه تفکر کودک، که یکی از ابعاد مهم تربیت دینی است، می‌توان به فراگیر کمک کرد تا به قوه شناخت و تمیز متناسب با سن خود دست یابد. بنابراین، مطلوب است به جای بیان صرف پیامدهای فعل نیک و زشت در کتاب‌های تعلیمات دینی، ضمن به تفکر واداشتن دانش‌آموزان، دلایل درستی یا نادرستی آن افعال را نیز مورد توجه قرار داد.

#### د. برنامه آموزشی قرآن در دوره ابتدایی و راهنمایی

وزارت آموزش و پرورش، در جهت بالا بردن کیفیت آموزش قرآن تلاش‌های درخوری داشته است، و در این راستا، هدف‌های تدریس قرآن در مقاطع مختلف تحصیلی تعیین گردیده، و برای رسیدن به اهداف تعیین شده، برنامه‌ریزان و کارشناسان آموزش و پرورش بر آن شدند تا به تدوین محتوای کتاب‌های درسی قرآن در مدارس بپردازند (علوی، ۱۳۷۱، ص. ۲). اما تحقیقات انجام شده نشان می‌دهند که نظام آموزشی نتوانسته است به اهداف تعیین شده آموزش قرآن در مدارس به طور مطلوب دست یابد. در تحقیقی که آقای رضا اخوان، میزان قرائت قرآن دانش‌آموزان کلاس پنجم منطقه ۱۵ تهران را ارزیابی کرده‌اند، از ۵۰۰ نفر دانش‌آموز، فقط ۹۷ نفر، قادر به خواندن سوره‌های قرآن کتاب درسی بدون غلط بوده‌اند. همچنین در تحقیق مشابه دیگری، که در منطقه ۱۴ تهران توسط آقای فرزاد صهبایی انجام شد،

## تحويل در تربیت دینی دانش آموزان... □ ۹۵

از ۶۵ نفر دانش آموز کلاس پنجم، ۸۰ درصد آن‌ها در رعایت اعراب کلمات قرآن ناتوان بوده اند. همچنین، میزان توانایی قرائت قرآن دانش‌آموزان سال اول راهنمایی منطقه ۱۰ تهران، توسط آقای مجتبی پیری خاتقاه بررسی گردیده است، که ۹۵ درصد دانش‌آموزان در رعایت حرکات اصلی قرآن ناتوان بوده اند (منوچهری، ۱۳۷۴). از سوی دیگر، بر اساس یک بررسی انجام شده، به نظر اکثر دانش‌آموزان، درس قرآن درمقایسه با دروس هم ارز آن، فارسی، دینی، اجتماعی، آسان‌ترین درس می باشد (طبری، ۱۳۷۴).

موفقیت دانش‌آموزان در درس قرآن، بیشتر می تواند معلول دو دسته عوامل باشد:

۱. عوامل مربوط به مدرسه، مانند ویژگی‌های معلم (رفتاری، آگاهی علمی، روش تدریس)، امکانات آموزشی، فعالیت‌های فوق برنامه.

۲. عوامل خارج از مدرسه، مانند خانواده دانش‌آموز، کلاس‌های اضافی و استفاده از معلم خصوصی.

در میان عوامل متعدد مدرسه‌ای، معلم قرآن، مؤثرترین نقش را نسبت به سایر عوامل در موفقیت و یا عدم موفقیت دانش‌آموزان در این درس دارد. نتیجه تحقیقات علوی (۱۳۷۱) و منوچهری (۱۳۷۴) نیز مؤید همین مطلب است و عدم کارایی معلمان قرآن را مهم‌ترین عامل در عملکرد ضعیف دانش‌آموزان در درس قرآن می دانند.

تحقیق قاسم کریمی (۱۳۶۸) نشان می دهد که معلمان قرآن از نظر دانش‌آموزان، افسردگی خوش اخلاق و باشخصیت نیستند. ضعف‌های رفتاری و اخلاقی معلمان، تأثیر ناخوشایند بر

روی دانش‌آموزان می‌گذارد و بر موفقیت آنان در این درس تأثیر منفی خواهد گذاشت. تأکید بر روش‌های غیرفعال یادگیری توسط بعضی از معلمین قرآن، انگیزه و شوق دانش‌آموزان را برای فراگیری قرآن از بین می‌برد و نتیجه آن به صورت بی‌حاصل بودن آموزش‌های مدرسه و عدم توفیق نظام آموزشی در دستیابی به اهداف درس قرآن ظاهر می‌گردد. چگونگی تربیت معلمان، از نظر کمی و کیفی، و تناسب یا عدم تناسب تربیت آنان با نیازهای آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان، یکی از عوامل اصلی موفقیت یا عدم موفقیت محصلان به شمار می‌رود. چنان‌که پژوهش‌های علوی (۱۳۷۱) و متوجهری (۱۳۷۴)، علت عدم کارآیی معلمین قرآن را نداشتن آموزش و آمادگی لازم برای تدریس این درس از سوی معلمین می‌دانند.

متأسفانه به کارگیری معلمین در دروس غیر مربوط به رشته تحصیلی آنان، در مدارس یک امر معمولی شده است و این مسئله در مورد دروسی مانند قرآن بیشتر نمود دارد، که می‌تواند ناشی از جایگاه درس قرآن در مدرسه باشد. واقعیت این است که به درس قرآن در مدارس آن‌طور که باید اهمیت داده نمی‌شود. از سوی بعضی از مدیران مدارس، اولویت‌های اولیه در برنامه ریزی درسی مدرسه به دروسی مانند ریاضی، علوم و... داده می‌شود و از درس‌هایی مانند درس قرآن به عنوان دروسی که جاهای خالی برنامه درسی مدرسه را باید پر نمایند، استفاده می‌گردد. از این رو، گاهی دبیرانی عهده‌دار تدریس قرآن می‌شوند که نه در زمینه تدریس قرآن آموزش دیده‌اند و نه علاقه‌ای به تدریس این درس دارند، بلکه صرفاً بخاطر این‌که برنامه درسی آنان تکمیل گردد، تدریس قرآن را می‌پذیرند.



## تحول در تربیت دینی دانش آموزان... □ ۹۷

مسئله دیگری که جایگاه و اهمیت درس قرآن و چگونگی کار معلمان قرآن را تحت تأثیر قرار می دهد، شفاهی بودن ارزشیابی (امتحان) این درس است، هر چند که در سالهای اخیر دستورالعمل های چگونگی ارزشیابی درس قرآن به همه مدارس ارسال شده است، با این وجود معلمان قرآن در ارزشیابی این درس از ملاک های یکسانی استفاده نمی نمایند. گزارش منوچهری (۱۳۷۴) نیز عدم وجود یک الگوی ارزشیابی استاندارد در درس قرآن مدارس ابتدایی را یکی از علل عدم موفقیت در این درس می داند. این شیوه ارزشیابی سبب می شود که مدیران مدارس اطلاع و ارزیابی صحیحی از کم و کیف تدریس معلم در کلاس قرآن و نتیجه عملکرد او نداشته باشند. از سوی دیگر، توصیه مسئولین آموزش و پرورش مبنی بر عدم سختگیری در ارزشیابی درس قرآن، موجب کم شدن حساسیت مدیران و معلمان نسبت به کیفیت آموزش قرآن شده است.

### ه. کتاب های بینش دینی در دوره دبیرستان

با توجه به ویژگی های برجسته دوره نوجوانی و جوانی، محتوای برنامه های درسی دینی در این دوره بایستی مشتمل بر دلیل پردازی و کنجکاوی فراگیران، پیرامون موضوعات دینی باشد. روش های آموزش نیز صرفاً به دنبال حفظ کردن اطلاعات، انتقال محفوظات و ارزیابی میزان یاد آوری مطالب دینی نباشد، بلکه با به کارگیری روش های گفت و شنود توسط معلمان، دانش آموزان برای دلیل پردازی درباره عقاید خود و ارائه شواهد و استدلال درباره نگرش های ارائه شده توانا گردند. بر این اساس، ایجاد یک برنامه درسی مطلوب، بدون داشتن شناختی

عمیق از مراحل رشد جسمی، عقلی، عاطفی و اجتماعی نوجوانان و چگونگی ایجاد و تقویت انگیزه برای یادگیری، امکان پذیر نخواهد بود.

منفرد (۱۳۶۹)، بیان می دارد که معلمان و دانش آموزان با رقمی حدود ۵۰ درصد اظهار داشته اند که، کتاب سوم بینش اسلامی، کتاب مشکلی است و از مجموع ارقام به دست آمده در مورد روش تدریس معلوم می شود که، به روش فعال توجه نشده است. مطالعه سعیدی رضوانی (۱۳۷۳)، نیز در زمینه میزان مطلوبیت محتوای کتاب دینی، چهارم متوسطه، نشان می دهد معلمان و دانش آموزان در مجموع کتاب را در راستای توجه به اهداف تعیین شده در برنامه درسی رسمی مطلوب ندانسته و آن را در حد متوسط ارزیابی کرده اند. در انتخاب محتوای کتاب دینی چهارم، به اندازه کافی و مطلوب رعایت شاخص های مطلوبیت محتوا نشده است.

کریمی (۱۳۶۸)، در تحقیقی تحت عنوان نظرسنجی از دانش آموزان در زمینه درس دینی، به بررسی نگرش و علاقه کودکان به کتاب های دینی پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می دهد که، عدم توجه به هماهنگی و همخوانی بین سطوح مختلف برنامه درسی دینی از یک سو و عدم توجه به نیازها و علایق دانش آموزان از سوی دیگر، موجب گردیده تا درس دینی از خسته کننده ترین درس ها در میان دانش آموزان باشد (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۰).

تحقیق انجام شده توسط سلطانی، تحت عنوان «بررسی نظرات دانش آموزان دختر دبیرستانی در مورد آسیب های موجود در تربیت دینی (سال تحصیلی ۸۱-۸۰)»، نشانگر آن

## تحول در تربیت دینی دانش آموزان... □ ۹۹

است که ۴۷/۵ درصد دانش آموزان، مدرسه را عامل آموزش مسائل دینی و اخلاقی نمی‌دانند و ادعای ظاهری معلمان، مغایرت آموزش‌های خانه و مدرسه را جزء آفات تربیت دینی در مدارس بر شمرده‌اند (سلطانی، ۱۳۸۲). به طور کلی، با توجه به تحقیق سعیدی رضوانی، عوامل عمده مستتر آسیب‌زای محتوای درس بینش اسلامی عبارتند از: تکرار زاید مطالب، حجم زیاد برخی مطالب و دروس، تصویر رابطه بنده با پروردگار به صورت خشک و رسمی، پرداختن به بعد زندگی نامه‌ای امامان و وجه سیاسی زندگی ایشان و تکرار واضحات، در مورد زندگی ایشان به جای تکیه بر مواردی که قابل الگوگیری از زندگی ائمه (ع) هستند. عوامل نسبتاً عمده مستتر آسیب‌زا در محتوای این درس عبارتند از: عدم استحکام کافی دلایل مربوط به مباحث اعتقادی، شبهه‌زایی برخی مطالب، کاربردی نبودن برخی از مباحث درس بینش اسلامی (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۲).

### و. ارزشیابی

در ارزشیابی از تربیت دینی، چگونه آموختن دانش آموزان و استمرار تلاش آنان در راه پیشرفت و اصلاح، اهمیت دارد (حاجی‌آقاولو، ۱۳۸۲). اما تجربیات نشانگر آن است که، معلمان در ارزشیابی درس دینی، معمولاً به سنجش میزان آگاهی‌های دانش آموزان و آن هم آگاهی مبتنی بر حفظ یک سویه مطالب قناعت کرده‌اند (حق‌شناس؛ قاسمی، ۱۳۸۲). آنچه در مدارس از دروس دینی انتظار می‌رود، در سطوح اولیه حیطة یادگیری، یعنی دانستن و فهمیدن متوقف می‌شود و با

توجه به روش‌های تدریس و ارزشیابی نمی‌تواند به سطوح عمیق‌تر همان حیطه اول نیز دست یابد و به حیطه‌های عاطفی و روانی-حرکتی نیز توجهی نمی‌شود (حق شناس؛ قاسمی، ۱۳۸۲).

«امرتبیت دینی در مدارس، از همان نظام ارزشیابی تبعیت می‌کند که سایر دروس نظیر، ریاضی، علوم و... یعنی مبتنی بر شیوه سستی امتحان و ارزشیابی دانش‌آموز از طریق نمره است» (کاشانی، ۱۳۸۲، ص. ۲۷۱). در حالی که، این شیوه سستی به دلایل ذیل اشتباه است:

- اول آن‌که، دروس دینی و قرآن هرچند به لحاظ روش‌های آموزشی نیازمند ارزشیابی روند پیشرفت و آموخته‌های دانش‌آموزان است با این وجود، اکتفا به میزان محفوظات ذهنی و تأکید بر قدرت پاسخگویی دانش‌آموز به سئوالات، نمی‌تواند اهداف اصلی این دروس را به خوبی محقق ساخته، عملکرد دانش‌آموزان را ارزشیابی کرده، نمایانگر میزان پیشرفت آنان باشد.

- دوم آن‌که، ارزشیابی دانش‌آموزان با این شیوه سستی، موجب ترغیب و حتی انگیزه بیش‌تر آنان برای ادامه مطالعات و پیگیری بعدی، آموزش‌ها از سوی دانش‌آموزان نخواهد شد؛ چرا که مبتنی بر عملکرد و رفتارهای مکرر عادت‌گونه و شوق‌انگیز نیست.

- سوم آن‌که، نظام ارزشیابی فعلی، به ویژه در امور ارزشی، اعتقادی در واقع به مفهوم نوعی بر چسب منفی زدن به دانش‌آموزان ضعیف‌تر است؛ همان کسانی که اتفاقاً به علت ضعف اعتقادات دینی خانواده و یا به لحاظ نیاز به جبران کمبودها و افت تحصیلی خود، بیش از دیگران به چنین آموزش‌هایی نیازمندند. در واقع، دانش‌آموزی که دارای افت تحصیلی است،

## تحول در تربیت دینی دانش آموزان... □ ۱۰۱

خود به خود دارای افت اعتقادی - دینی نیز خواهد بود. دسته بندی دانش آموزان به لحاظ تربیت دینی، عواقب بسیار جبران ناپذیری خواهد داشت و این عمل، تولید نوعی افراد نابهنجار و بزهکار برای جامعه آتی است. در نهایت آن که، در ارزشیابی فعلی تربیت دینی، معیار اصلی پیشرفت، نظام نمره دهی است درحالی که، تبدیل اعتقادات دینی و باورهای ارزشی افراد به نمرات، در واقع کمی کردن این ابعاد کیفی، موجب تنزل معنویت و اشتباه صد درصد آنان نسبت به امور دینی خواهد شد. به بیان صریح تر چه بسا دانش آموزانی که نمره بالا از درس دینی و قرآن دریافت می کنند، هم خود و هم خانواده هایشان، برداشت مثبتی از شکل گیری اعتقادات دینی خود دارند و چه بسا دانش آموزانی که، با نمره پایین، خود و خانواده هایشان به غلط تصور می کنند که زمینه پیشرفت دینی برای آن‌ها وجود ندارد. در واقع، هر دوی این تضادها اشتباه است (کاشانی، ۱۳۸۲).

### جمع بندی و نتیجه گیری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در این مقاله، پس از ذکر مقدمه و بیان اهمیت تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش کشور، با نگاهی آسیب شناسانه، وضعیت موجود طراحی برنامه ها، اهداف تربیت دینی و اخلاقی، محتوی کتاب های درسی، روش های آموزشی و کیفیت ارزشیابی، مورد بررسی قرار گرفت. مستندات ذکر شده در متن مقاله، نشانگر آن بود که نظام آموزش رسمی در پرورش و تقویت گرایش های دینی جوانان، آن گونه که شایسته است، موفق نبوده است. از این رو، لازم است نگاهی دوباره به عملکردها در این زمینه داشته و به تجدید نظر و اصلاح روش ها و راهبردهایی بپردازیم که تا کنون از آن‌ها استفاده کرده ایم. البته، لازم به ذکر است که، در چند

سال اخیر، اقدامات مفید و قابل تقدیری از سوی مسئولان آموزش و پرورش کشور برای رفع آسیب ها و خلأها در ارائه درس دینی انجام گرفته است. از آن جمله، تدوین کتاب دین و زندگی در مقطع دبیرستان و کتاب هدیه های آسمانی در مقطع ابتدائی. اما واقعیت ها، حکایت از آن دارد که این اقدامات هر چند که لازم می باشند، اما کافی نبوده و امر تربیت دینی در مدارس، همچنان نیازمند تأمل و بررسی جدی می باشد. جهت اصلاح و بهبود کمی و کیفی روند تربیت دینی دانش آموزان در نظام آموزش رسمی کشور، با عنایت به مشکلات و آسیب های مطرح شده، پیشنهادها و راهکارهای ذیل ارائه می گردد.

### ارائه راهکار

راهکارهای پیشنهادی به تفکیک درشش محور، شامل: رویکرد و برنامه ریزی، اهداف، محتوا، روش، معلم و ارزشیابی مطرح گردیده است.

#### محور اول: رویکرد و برنامه ریزی

۱- برای امر تربیت دینی، باید نگرش سیستمی و جامع طراحی گردد. از آنجایی که، تحقق امر تربیت و وظیفه سه نهاد خانواده، دولت و تشکل های مردمی است، این طرح باید همکاری، هماهنگی و تعامل میان این سه نهاد را با توجه به اقتضانات زمانی و مکانی و چالش های موجود در کشور مورد توجه قرار دهد.

۲- ایجاد نگرش سیستمی در برنامه ریزی درسی و لحاظ کردن آموزش و پرورش به عنوان یک مجموعه درهم تنیده و یک کل مرتبط به هم، که از آموزش تمامی دروس، باید به پرورش مبتنی بر اهداف از قبل تعیین شده دست یابد (تحقق اصل چهارم طرح کلیات نظام آموزش و

## تحول در تربیت دینی دانش آموزان... □ ۱۰۳

پرورش). برای این امر، باید به آموزش و پرورش نگاهی فرا رشته‌ای داشت و قبل از طراحی هر جزء طرحواره، مجموعه برنامه‌ها و آموزش‌ها با محوریت تعلیم و تربیت دینی پردازش شود و برنامه درسی با رویکرد بین رشته‌ای و تلفیقی ساماندهی گردد.

۳- دارا بودن نگرش سیستمی در امر تربیت دینی دانش‌آموزان، در خصوص توجه به جنبه‌های مختلف رشد (جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و معنوی)؛ توجه به نیازهای مختلف دانش‌آموزان (نیاز به پیشرفت، نیاز به خود مختاری، نیاز به بازی، نیاز به حمایت، نیاز به درک حقایق و ... )؛ توجه به تعاملات و ارتباطات بین تمامی عوامل تأثیرگذار، سهم و دخیل در امر تربیت (خانواده و دولت و تشکل‌های مردمی، نظام تربیت و مربیان و متریان، دانش‌آموز و معلم، معلمان با یکدیگر، دانش‌آموزان با یکدیگر، خانواده و مدرسه) و توجه به تمامی عناصر تربیت (بینش، گرایش، نگرش و عمل).

۴- دارا بودن نگرش سیستمی در امر تدوین اهداف کلی برنامه درسی دینی، در خصوص توجه به ارتباط و انسجام منطقی و طولی اهداف در کلیه مقاطع ابتدائی، راهنمایی و دبیرستان.

۵- تقویت و ارتقای فعالیت‌های کمی و کیفی انجمن اولیاء و مربیان، به خصوص در زمینه آموزش خانواده‌ها و راهنمایی اولیاء در زمینه تربیت فرزندان.

۶- استفاده از برنامه‌ریزی نیمه متمرکز، بدین گونه که اهداف کاملاً عمده و رئوس محتوایی فراگیر برای تمام کشور، از سوی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی مشخص شود و

سایر مراحل نظیر عملیاتی کردن اهداف و پیش بینی مواد آموزشی توسط استان‌ها، مناطق و مدارس کشور صورت پذیرد.

۷- برنامه ریزان تربیت دینی در مدارس، محیط یادگیری را علی رغم داشتن ساخت و سازمانی از پیش تعیین شده، باید از نظر مواد و منابع و اندیشه غنی نمایند و با هدایت و رهبری معلم، امکان کاوش آزادانه در باره مسائل گوناگون مذهبی و اخلاقی را به دانش آموز بدهند. همچنین با توجه به نیازهای شخصی، تفاوت‌های جنسیتی، فردی، تجارب و ویژگی‌های خاص محیط اجتماعی و فرهنگی دانش آموز؛ لازم است برنامه ریزی دینی از انعطاف پذیری لازم برخوردار باشد.

#### محور دوم: اهداف

۱- اهداف تدوین شده در امر تربیت دینی، در کلیه مقاطع می‌باید با نوعی بینش واقع‌گرایانه و نه آرمان‌گرایانه تدوین گردد و زاویه و قدرت تحلیل ذهنی و از همه مهم‌تر، رغبت دانش‌آموزان برای رسیدن به هدف‌ها، لحاظ گردد. همچنین اهداف قابلیت اندازه‌گیری داشته باشند. از سوی دیگر، معیارهای لازم در تدوین اهداف مانند توالی، استمرار، جامعیت، وسعت، پیوستگی و تعادل مورد توجه قرار گیرد.

۲- از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل سایر کتاب‌های درسی (فارسی، ادبیات، تعلیمات اجتماعی و تاریخ) جهت تحقق اهداف تربیت دینی، به خصوص در دوره ابتدائی، که معلم دروس مختلف یک نفر است، استفاده مناسب به عمل آید.



## تحول در تربیت دینی دانش آموزان... □ ۱۰۵

۳- اهداف در حیطه شناختی در تمامی سطوح، شامل: دانش، فهم، کاربرد، تحلیل و ارزیابی طراحی گردد. علاوه بر آن، به تمامی حیطه های یادگیری در هنگام تدوین اهداف اعم از حیطه عاطفی و روانی- حرکتی توجه گردد.

۴- اهداف تربیت دینی- اخلاقی مصوب، با ماهیت محتوای دروس و فعالیت های در نظر گرفته شده مدارس در راستای تربیت دینی دانش آموزان، تطابق داشته باشد.

### محور سوم: محتوی

۱- در طراحی محتوی کتاب های دینی باید توجه به شاخص های معرفت و بصیرت، تفکر و تعقل و عمل داشت تا مطالب ارائه گردیده، نتیجه تأثیرگذار در عملکرد متربیان داشته باشد. اگر این سه معیار مورد توجه باشد، بسیاری از آسیب های موجود از جمله بی انگیزگی، سطحی نگری، انتزاعی بودن، توجه بیش از اندازه به بعد دانشی، ثقیل بودن و عدم تأثیرگذاری از بین خواهد رفت.

۲- دقت در ظرافت معرفی امامان، به گونه ای که هم به جنبه قدسی و معنوی و مقام رفیع و دست نیافتنی ایشان توجه شود و هم معرفی به گونه ای باشد که افراد بتوانند از ایشان الگوگیری کنند.

۳- از تکرار زائد و تأکید بیش از حد برخی از مباحث خودداری گردد؛ چرا که یک نوع احساس سیری و دلزدگی در دانش آموزان در خصوص درس دینی ایجاد خواهد کرد.

۴- در مباحث خداشناسی، خدا به گونه‌ای معرفی شود که دوستی و عشق او در دل کودک ایجاد شود و پایه‌ریزی یگانه‌پرستی در کودک دوره ابتدایی، باید بر تجسمی زیبا از خدا و احساس امنیت در ضمیر کودک مبتنی باشد.

۵- آشنا نمودن دانش‌آموزان با سایر ملت‌های مسلمان جهان به منظور تقویت روحیه وحدت؛ جهانی بودن دین اسلام به ترتیبی که حداقل یک درس در کتاب تعلیمات دینی به مبحث ملل مسلمان جهان اختصاص یابد.

۶- در پایان مطالب کتاب‌های دینی به کلیه منابع و مراجعی که در متن کتاب از آن‌ها بهره گرفته شده، اشاره شود تا ضمن سوق دادن دانش‌آموزان علاقه‌مند به مطالعه کتاب‌های جنبی، فرهنگ حفظ امانت را عملاً به آنان یاد داد.

۷- نحوه ارائه محتوا در کتاب‌های درسی باید به گونه‌ای سازماندهی گردد که دانش‌آموزان به صورتی فعال و از روی رغبت با کتاب، تعامل برقرار کنند و شیوه سازماندهی مطالب، آنان را به تفکر و تدبیر و فعالیت وادارد.

#### محور چهارم: روش

۱- روش‌های تدریس مبتنی بر سخنرانی، هرگونه فرصت را برای فعالیت از دانش‌آموزان سلب می‌کند. درحالی که، روش‌هایی مانند بحث و گفتگو، پروژه‌های فردی و گروهی و گزارش نتیجه آن به کلاس، می‌تواند امکان مشارکت را برای دانش‌آموزان فراهم آورد.

## تحول در تربیت دینی دانش آموزان... □ ۱۰۷

۲- ارائه مطالب آموزشی باید جذاب و با توجه به علائق و نیاز دانش‌آموزان باشد، این امر، علاوه بر آن‌که، ذائقه زیباشناختی دانش‌آموزان را ارضاء می‌کند. علاوه بر آن، موجب تحریک دانش‌آموزان برای بیش‌تر دانستن و درگیر شدن آنان با موضوعات می‌گردد. ارائه مطالب به صورت بازی، قصه، معما و نمایش بهترین روش کار است.

۳- محور آموزش باید به جای چه یادگرفتی و چه مقدار یادگرفتی، به چگونه یادگرفتی، تغییر یابد. در این صورت، ذهن دانش‌آموز مخزنی نیست که از اطلاعات انباشته شده باشد، بلکه دانش‌آموز مستقیماً با موضوعات درگیر شده و به تفکر واداشته می‌شود.

۴- جذاب بودن کتاب‌های دینی از نظر ظاهر و محتوا و آشنایی دبیران دینی و قرآن با روش‌ها<sup>۱</sup> و الگوهای جدید آموزشی و به کارگیری این روش و الگوها در کلاس‌های تدریس، موجب جذب بیشتر دانش‌آموزان خواهد شد.

### محور پنجم: معلم

۱- لازمه تحقق امر تربیت دینی در آموزش و پرورش، حمایت مادی و معنوی از معلمان است؛ زیرا برای آن‌که مربی زمینه‌های مناسبی را جهت هدایت تربیتی فراهم سازد، و اهتمام جدی به این امر داشته باشد، باید پشتیبانی‌های لازم از او در ابعاد مختلف مادی و معنوی به عمل آید.

۲- اصل وحدت رویه در منابع الگویی در جامعه و تعلیم و تربیت اقتضا می‌کند کلیه معلمان و دبیران در راستای تحقق اهداف آموزش و پرورش، همسو و هماهنگ عمل کنند. اگرچه مربیان ممکن است آموزش دروس متفاوتی را عهده‌دار می‌باشند، ولی عملاً باید مروج و عامل الگوهای رفتاری واحدی برای تربیت دینی در دانش‌آموزان باشند. وحدت رویه الگویی مربیان، از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تربیت دینی دانش‌آموزان می‌باشد.

۳- ویژگی‌هایی که می‌تواند پل ارتباطی بین معلم و دانش‌آموز باشد. مانند علم، داشتن شخصیت قابل احترام، داشتن فضایل روحی، آشنایی با مخاطبان و شیوه‌های برخورد با آنان، احترام به شخصیت دانش‌آموزان، احترام به حقوق دانش‌آموزان، آزادی فعالیت در کلاس، انعطاف‌پذیری و معتدلانه عمل کردن، صبور بودن و سایر روش‌هایی که موجب محبوبیت و مقبولیت در بین دانش‌آموزان می‌شود، باید سرلوحه کار معلم دینی قرار گیرد.

۴- مربیان تربیت دینی باید به معارف عمیق، متناسب با شباهت قابل طرح و با توجه به مقتضیات زمان به سلاح دانایی، به شیوه‌های روز مجهز گردند. از سوی دیگر، فرصت بیان و نقد را هم برای متری فراهم آورند.

۵- از آنجا که معلم، مؤثرترین نقش را در میان عوامل مدرسه‌ای در یادگیری دانش‌آموزان ایفا می‌کند، بنابراین توجه به کمیت و کیفیت فعالیت معلم قرآن برای رسیدن فراگیران به سطح مطلوب یادگیری مطابق با اهداف این درس، حائز اهمیت فراوان است. از این رو، باید از

## تحول در تربیت دینی دانش آموزان... □ ۱۰۹

واگذاری تدریس قرآن به معلمانی که از ویژگی‌های شخصیتی مناسب و تخصص و آگاهی لازم برخوردار نمی‌باشند، خودداری گردد.

۶- برگزاری کلاس‌های آموزش ضمن خدمت معلمان، در زمینه مفاهیم قرآنی، قرائت، تفسیر و شیوه‌های تدریس قرآن، موجب ارتقاء کیفیت آموزش قرآن در مدارس خواهد شد.

۷- استفاده معلمان قرآن از وسایل کمک آموزشی نظیر نوارهای صوتی و تصویری قرآن از قاریان معروف، متناسب با کتاب‌های درسی قرآن در یادگیری بهتر دانش‌آموزان موثر می‌باشد.

۸- باید به تربیت مربیان ورزیده قرآن و علوم دینی در مقطع ابتدایی بیش‌تر توجه گردد؛ چرا که شخصیت اساسی دانش‌آموزان در این سنین شکل می‌گیرد و منش و شخصیت مربی در این مقطع، تأثیر مستقیم بر دانش‌آموز دارد. عدم توجه به این امر، موجب صرف هزینه‌های کلان در دوره‌های تحصیلی بالاتر می‌شود. ضرورت این امر از آن جهت است که، عملاً آنچه مشاهده می‌شود این است که، بهترین و کارآمدترین مربیان در دوره دبیرستان به کارگرفته می‌شوند و مربیانی که از تخصص و تجربه متوسطی برخوردارند، در دوره راهنمایی مشغول به فعالیت می‌گردند و کم تجربه‌ترین مربیان در دوره ابتدایی مشغول به کار می‌شوند.

۹- راه حل مناسب برای حل مشکل نیروی انسانی در دروس دینی این است که، وزارت آموزش و پرورش با تمرکز بخشیدن به کلیه امور مربوط به درس دینی و با به کارگیری شایسته‌ترین نیروها به تأسیس مؤسسه عالی برای تربیت دبیر دینی مبادرت ورزد؛ زیرا دانشکده‌های موجود حتی اگر بتوانند افراد با سوادی را تربیت کنند، تنها نیمی از خواسته آموزش و پرورش را تأمین می‌کنند و نیم دیگر که، برخوردار از تربیت صحیح اسلامی و

رشد معنوی و پرورش انگیزه‌های الهی است، غالباً در این مراکز تأمین نمی‌شود؛ زیرا لازمه چنین کاری حضور در یک فضای تربیتی می‌باشد و یا آن‌که رشته دانشگاهی، تحت عنوان «تربیت دینی»<sup>۱</sup>، در مراکز دانشگاهی کشور، جهت تربیت دبیر دینی و قرآن مدارس ایجاد گردد. (چنانکه سابقه آن در دیگر کشورها موجود می‌باشد).

#### محور ششم: ارزشیابی

۱- در شیوه‌های ارزشیابی درس دینی، باید به گونه‌ای تجدید نظر نمود که به جای طرح مستقیم سئوالات از پیش تعیین شده و قالبی، پرسش‌ها با شیوه مطالعه، تحقیق، کشف و استنباط درونی همراه باشد. از سوی دیگر، بیش‌تر بر تغییر رفتار و نگرش کودک در طول زمان تأکید گردد و توانش خلاق و عملی دانش‌آموزان در کنار توانش حافظه‌ای و تحلیلی آنان نیز مورد توجه قرارگیرد.

۲- بهترین و جامع‌ترین نوع ارزشیابی دانش‌آموزان، به کاربردن تمام شیوه‌هایی است که مستلزم حضور و پاسخ فعال دانش‌آموز باشد. (مشاهده عملکرد دانش‌آموز در طی بحث گروهی، ایفای نقش، پروژه‌های اقدام-اجتماعی، تعبیر و تفسیر داستان و تصاویر و عکس‌ها و مشاهده نوشته‌های خلاق دانش‌آموزان مانند شعر، دکلمه و داستان).

## تحول در تربیت دینی دانش آموزان... □ ۱۱۱

### منابع

- بینقی، تقی. (۱۳۷۹). «نیاز سنجی آموزشی در برنامه ریزی برای تربیت دینی و اخلاقی». تربیت اسلامی، ویژه تربیت دینی. تهران: نشر تربیت اسلامی.
- باهنر، ناصر. (۱۳۷۸). آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- پژوهشکده حوزه و دانشگاه. (۱۳۷۸). فلسفه تربیت. جلد اول. تهران: انتشارات سمت. چاپ سوم.
- داوودی، محمد. (۱۳۸۳). تربیت دینی؛ سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت. قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- حق شناس، مرجان و قاسمی، مریم. (۱۳۸۲). «نقد و ارزیابی کارکردهای فعلی آموزش و پرورش در تربیت دینی». مجموعه مقالات همایش آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش. تهران: انتشارات محراب قلم.
- حاجی آقا، عباس. (۱۳۸۲). «تربیت دینی، ماهیت متفاوت اهداف و روش های آموزش و ارزشیابی آن». مجموعه مقالات همایش آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش. تهران: انتشارات محراب قلم.
- دادستان، پری رخ. (۱۳۷۹). «تحول شناختی و آموزش دینی». مجله رشد آموزش ابتدایی. سال سوم. شماره ۲۳.
- سعیدی رضوانی، محمود. (۱۳۷۳). بررسی نظرات مؤلفان کتاب های دینی دوره متوسطه، دبیران دینی و دانش آموزان چهارم دبیرستان های شهر مشهد در مورد میزان مطلوبیت محتوی کتاب دینی چهارم متوسطه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- سعیدی رضوانی، محمود و کیانی نژاد، عذرا. (۱۳۸۲). «بررسی عوامل تأثیرات نامطلوب درس پیش اسلامی دوره متوسطه». مجموعه مقالات همایش آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش. تهران: انتشارات محراب قلم.
- سعیدی رضوانی، محمود و بینقی، تقی. (۱۳۸۰). «تأملی در باب تناسب نظام آموزش و پرورش با تربیت دینی». تربیت اسلامی. کتاب ششم. تهران: نشر تربیت اسلامی.
- سلطانی، پریچهر. (۱۳۸۲). «بررسی نظرات دانش آموزان دختر دبیرستانی در مورد آسیب های موجود در تربیت دینی (سال تحصیلی ۸۰-۸۱)». مجموعه مقالات همایش آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش. تهران: انتشارات محراب قلم.
- صادق زاده قمصری، علیرضا. (۱۳۸۰). «راهنمای برنامه درسی تعلیمات دینی در بونه نقه». تربیت اسلامی. کتاب ششم. تهران: نشر تربیت اسلامی.

## ۱۱۲ □ فرهنگ و علم سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۷

- طبری، علی اصغر (۱۳۷۴). «بررسی نگرش دانش‌آموزان و معلمان کتاب‌های دینی و قرآن مدارس راهنمایی و متوسطه استان مازندران نسبت به درس دینی و قرآن». اداره آموزش و پرورش استان مازندران.
- شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش. (۱۳۶۸). طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. مصوب شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش.
- علوی، الله رحم. (۱۳۷۱). «علل عدم موفقیت در تدریس قرآن دوره ابتدایی از نظر مدرسین روش تدریس این درس در مراکز تربیت معلم». وزارت آموزش و پرورش.
- منوچهری، تقی. (۱۳۷۴). بررسی مشکلات در عدم دسترسی به اهداف آموزشی درس قرآن در مدارس ابتدایی از نظر معلمان این مقطع. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- کاشانی، مجید. (۱۳۸۲). نقد و ارزشیابی شیوه های تربیت دینی و ارایه پیشنهاد کاربردی. مجموعه مقالات همایش آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش. تهران: انتشارات محراب قلم.
- کردی، عبدالرضا. (۱۳۷۹). «نیاز و انگیزه در تربیت دینی دانش‌آموزان ابتدایی». مجله رشد آموزش ابتدایی، سال سوم، شماره ۲۴.
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۷۳). تربیت آسیب زا. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- منفرد، غلامرضا؛ با همکاری حجت‌الله اکبری. (۱۳۶۹). «بررسی نظرات دانش‌آموزان و معلمان کلاس سوم دبستان‌های تهران در زمینه کتاب تعلیمات دینی پایه سوم ابتدایی». دفتر مشاوره و تحقیق امور تربیتی.
- ملکی، حسن. (۱۳۸۲). «آسیب شناسی تربیت دینی از منظر برنامه ریزی درسی». مجموعه مقالات همایش آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش. تهران: انتشارات محراب قلم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی